

## بررسی مواضع سیاسی آیت‌الله بهشتی در تحولات سال ۱۳۵۸ (مجلس خبرگان قانون اساسی و تسخیر لانه جاسوسی)

صغری ساسانی<sup>۱</sup> / محسن بهشتی سرشت<sup>۲</sup>

### چکیده

آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی از شخصیت‌های نقش‌آفرین در سال‌های پیروزی انقلاب اسلامی و تثبیت نظام جمهوری اسلامی بود. وی در بسیاری از رخدادها و تحولات مهم آن دوران به ایفای نقش و بیان مواضع سیاسی پرداخته است. از جمله رویدادهای مهم دوران زندگی آیت‌الله بهشتی، تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و تسخیر لانه جاسوسی در سال ۱۳۵۸ بود که پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای در پی واکاوی مواضع سیاسی وی در ارتباط با این مسائل مهم است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که آیت‌الله بهشتی ضمن تلاش برای تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی، به‌عنوان نایب‌رئیس در تصویب برخی از اصول قوانین مهم اساسی همچون «اصل رهبری و ولایت‌فقیه» به تبیین و روشن‌گری جوانب مختلف آن پرداخت و زمینه تصویب آن را فراهم ساخت. همچنین وی در جریان تسخیر لانه جاسوسی، ضمن تأیید این اقدام، آن را در راستای هویت اسلامی انقلاب و استقلال آن از قدرت‌های استعماری معرفی کرد. او در هیئت مذاکره‌کننده با دبیرکل وقت سازمان ملل متحد نیز حضور داشت و مواضع نظام جمهوری اسلامی ایران را با صراحت و درایت تبیین کرد.

**واژه‌های کلیدی:** آیت‌الله بهشتی، مجلس خبرگان قانون اساسی، تسخیر لانه جاسوسی، انقلاب اسلامی.

۱. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران.  
 sghrasani@yahoo.com

۲. دانشیار گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران. (نویسنده مسئول)  
 beheshti@ikiu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۱۱ نوع مقاله: پژوهشی

**Investigating the political positions of Ayatollah Beheshti in the developments of 1979  
(The Assembly of Constitutional Law Experts and the capture of the USA Embassy)**

Soghra Sasani<sup>1</sup>/ Mohsen Beheshti Sarasht<sup>2</sup>

**Abstract**

*Ayatollah Seyed Mohammad Hosseini Beheshti was one of the leading figures in the years of the victory of the Islamic Revolution and the establishment of the Islamic Republic. He played a role and expressed political positions in many important events and developments of that era. Among the important events of Ayatollah Beheshti's life were the formation of the Assembly of Constitutional Law Experts and the capture of the spy nest (USA Embassy) in 1980. The present research is based on a descriptive-analytical approach and relies on library sources to analyze his political positions in relation to these important issues. The findings of the research show that Ayatollah Beheshti, while trying to form the Assembly of Constitutional Law Experts, as the vice president in approving some of the principles of important constitutional laws, such as the "principle of leadership and jurisprudence", explained and clarified its various aspects and prepared the ground for its approval. Also, during the capture of the spy nest, while confirming this action, he introduced it in line with the Islamic identity of the revolution and its independence from the colonial powers. He was also present in the negotiating team with the then Secretary General of the United Nations and explained the positions of the Islamic Republic of Iran with clarity and tact.*

**Keywords:** Ayatollah Beheshti, Assembly of Constitutional Law Experts, spy nest capture, Islamic revolution.

---

1. MA in History of Islamic Revolution, Department of History, Faculty of Literature and Human Sciences, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran. soghrasasani@yahoo.com

2. Associate Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Imam Khomeini International University (RA), Qazvin, Iran. (Corresponding author) beheshti@ikiu.ac.ir

## مقدمه

سید محمد حسینی بهشتی در دوم آبان ۱۳۰۷ در اصفهان در یک خانواده روحانی به دنیا آمد. در سال ۱۳۲۱ تحصیلات دبیرستان را رها کرد و در مدرسه صدر اصفهان مشغول به تحصیل علوم دینی شد و در سال ۱۳۲۵ برای ادامه‌ی تحصیلات حوزوی به قم رفت. در کنار طلبگی با گرفتن دیپلم ادبی به صورت متفرقه و ورود به دانشکده معقول و منقول دوره‌ی لیسانس را در سال‌های ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۰ گذراند (کردی، ۱۳۸۵: ۳۱؛ شعبانی، ۱۳۸۷: ۲۴-۲۲).

وی در سال ۱۳۴۲ با هیئت‌های مؤتلفه رابطه فعال و سازمان‌یافته داشته و در شورای فقهی این جمعیت فعالیت می‌کرد که این موضوع مورد استقبال امام خمینی نیز قرار گرفت (توکلی بینا، ۱۳۸۹: ۴۱-۳۸). در اسفند ۱۳۴۳ به پیشنهاد مراجع به هامبورگ رفت و در سال ۱۳۴۹ بازگشت. او در این سال‌ها ضمن کارهای تبلیغاتی، دوره تفسیر قرآن را شروع کرده که قسمتی از این تفاسیر بعدها در روزنامه جمهوری به چاپ رسید (یاران امام به روایت اسناد ساواک، ۱۳۷۷: ۵۶؛ ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷: ۵۶). بهشتی مانند بسیاری از روحانیون مبارز و انقلابی در تظاهرات ۱۵ خرداد با تعطیل کردن مدرسه دین و دانش به همراه دانش‌آموزان خود شرکت داشت و در خصوص تبعید امام نیز سخنرانی‌های زیادی ایراد کرد (مراسان، ش.بازیابی: ۰۰۴۱۰۰۴۷؛ ۰۰۴۱۰۰۱۱). همچنین وی در صدور بیانیه‌های مختلف دعوت مردم به قیام علیه رژیم شاهنشاهی نقش فعال داشت (اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴: ۴۶۹/۴-۴۶۷). با رفتن بهشتی به پاریس، هسته اولیه شورای انقلاب را با همکاری دیگر دوستانش تشکیل داد. پس از پیروزی انقلاب به ترتیب ریاست شورای انقلاب، نیابت رئیس مجلس خبرگان و ریاست دیوان عالی کشور را بر عهده داشت (ترک‌چی، ۱۳۸۱: ۶۳). وی مؤسس حزب جمهوری و اولین دبیر کل این حزب بود و سرانجام در ۷ تیر سال ۱۳۶۰ ش به همراه ۷۲ تن از رجال و شخصیت‌های سیاسی و انقلابی به دست مجاهدین خلق به شهادت رسید (سازمان مجاهدین پیدایی تا فرجام، ۱۳۸۴-۱۳۸۵: ۶۰۶-۶۰۵).

## پیشینه پژوهش

به جهت اهمیت عملکرد آیت‌الله بهشتی در تحولات سیاسی سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب تا زمان شهادت، در این مقاله به نقش وی در سال ۱۳۵۸ می‌پردازیم که دو رخداد مهم یعنی تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی و تسخیر لانه جاسوسی اتفاق افتاده است. مسئله پژوهش حاضر در

برخی آثار به صورت مختصر آمده است. کردی (۱۳۸۵) در کتاب زندگی و مبارزات آیت‌الله بهشتی و نیز شعبانی (۱۳۸۷) در کتاب تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت‌الله بهشتی تلاش کرده‌اند به صورت مبسوط به تحولات زندگانی شهید بهشتی بپردازند و جنبه‌های مختلف نقش‌آفرینی وی در اوضاع سیاسی تاریخ انقلاب اسلامی بررسی کنند. با وجود تلاش علمی نویسندگان در هر دو اثر به صورت اختصاصی و تحلیلی به نقش آیت‌الله بهشتی در مجلس خبرگان قانون اساسی و تسخیر لانه جاسوسی پرداخته نشده است که پژوهشی مستقل را نیز می‌طلبد.

### مجلس خبرگان قانون اساسی

پس از اینکه ساختار سیاسی ایران که همان نظام جمهوری بود با رأی مردم تعیین شد، امام در طی حکمی از دولت موقت به ریاست بازرگان خواست هر چه زودتر مجلس مؤسسان را برای تصویب قانون اساسی تشکیل دهد (رضوی، ۱۳۷۶: ۴۰۵). پیش‌نویس اولیه قانون اساسی زمانی که امام در پاریس بود تهیه شده بود و وقتی امام به ایران آمد این پیش‌نویس مورد مشورت و بررسی قرار گرفت، هیئت دولت موقت این پیش‌نویس را در تاریخ ۱۳۵۸/۱/۸ به تصویب رسانده و در آن تغییرات مختصری ایجاد کرده بود و بعد از آن به شورای انقلاب واگذار کرد (اشرفی، ۱۳۸۷: ۲۰۲-۲۰۱). آن موقع شرایط سیاسی کشور بحرانی و مسئله کردستان، خوزستان و آذربایجان مطرح بود که در این استان‌ها، گروه‌های سیاسی با دامن زدن به اختلافات قومی اوضاع کشور را نامناسب کرده بودند. به علاوه گروه‌هایی چون فرقان و حزب جمهوری خلق مسلمان با اقدامات تروریستی خود اوضاع را آشفته‌تر ساختند، لذا با این وضعیت نظرات مختلفی در مورد تصویب قانون اساسی مطرح بود (کردی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

در مورد چگونگی تصویب قانون اساسی بین شورای انقلاب و دولت موقت اختلاف نظر بود. آیت‌الله بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، میر حسین موسوی و صادق قطب‌زاده جزء کسانی بودند که عقیده داشتند نیازی به تشکیل مجلس مؤسسان نیست و قانون اساسی پیشنهادی به همه‌پرسی گذاشته شود و برای اثبات نظر خود دلایلی داشتند و آن دلایل عبارت بود از: مشکلات کشور، حالت خاصی که دوره انتقال داشت، زیاد بودن اعضای مجلس مؤسسان که پیامدش تنوع و تعارض زیاد بود، افکار مختلف که طولانی شدن تصویب قانون

اساسی را به دنبال داشت. اینها دلایل این گروه بود و با این دلایل می‌خواستند پیش‌نویس تأییدشده‌ی شورای انقلاب و دولت موقت به فراندوم گذاشته شود تا قانون اساسی زودتر به تصویب مردم برسد و با تأسیس کردن نهادهای جدید کشور حالت ثبات پیدا کند (علی بابایی، ۱۳۸۱: ۲۲۹-۲۲۸).

در آن سو نیز افرادی چون مهدی بازرگان، یدالله سحابی، بنی‌صدر، طالقانی، موسوی اردبیلی و ابراهیم یزدی طرفدار تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب قانون اساسی بودند چون آن را دموکراتیک‌تر می‌دانستند و از طرفی از آنجایی که امام وعده مجلس مؤسسان را داده بود در شأن یک مرجع دینی نمی‌دانستند که خلف وعده کند و هر دو گروه روی مواضع خود تأکید داشتند. سرانجام شورای انقلاب و دولت موقت تصمیم گرفتند برای وحدت نظر در نزد امام که در قم اقامت داشت برسند. در جلسه‌ای با حضور امام هر دو نظر مطرح شد و نظر امام این بود که مجلس مؤسسان تشکیل نشود. سرانجام آیت‌الله طالقانی با پیشنهاد خود به این اختلاف نظر خاتمه داد، پیشنهاد او این بود که مجلسی برای بررسی نهایی قانون اساسی تشکیل شود و نمایندگان محدودی داشته باشد تا مشکلات مجلس مؤسسان در این مجلس بررسی نهایی پیش نیاید و از طرفی با تشکیل این مجلس خلف وعده نمی‌شود و از آنجایی که نمایندگان از سوی مردم انتخاب می‌شوند شکل دموکراتیک نیز پیدا می‌کند که امام نیز این پیشنهاد را قبول کرد (علی بابایی، ۱۳۸۱: ۲۲۹-۲۳۰).

بعد از به توافق رسیدن شورای انقلاب و دولت موقت، امام در تاریخ چهارم خرداد سال ۱۳۵۸ برای آنکه شرایط برای اظهارنظر درباره قانون اساسی توسط صاحب‌نظران فراهم شود و همچنین مردم از طرح قانون اساسی اطلاع پیدا کنند، در حکمی از دولت موقت خواست طرح قانون اساسی را در مطبوعات منتشر و مقدمات انتخابات مجلس خبرگان را فراهم کند. مجلس خبرگان برای این بود که با توجه به پیشنهادهایی که به مواد قانون اساسی داده می‌شود قانون اساسی را بررسی نهایی کند و امام خواستار این بود که این بررسی نهایی در مجلس خبرگان طبق موازین اسلامی باشد و سرانجام به فراندوم گذاشته شود و دولت موقت پس از دریافت این حکم از طرف امام پیش‌نویس قانون اساسی را برای اینکه صاحب‌نظران در مورد آن نظر بدهند در ۲۶ خرداد ۵۸ در ۱۲ فصل و ۱۵۱ اصل منتشر کرد (اشرفی، ۱۳۸۷: ۲۰۴-۲۰۳).

جامعه روحانیت مبارز با همکاری تشکل‌های اسلامی دیگر از جمله مدرسین حوزه علمیه قم، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران، حزب جمهوری اسلامی، انجمن اسلامی معلمان، گروه انقلابی ابوذر، سازمان فجر اسلام، اتحادیه انجمن‌های اسلامی شهرری و جنبش مسلمانان پیشگام افرادی چون حسینعلی منتظری، محمود طالقانی، محمد بهشتی، موسوی اردبیلی، غفوری، بنی‌صدر، عباس شیبانی، محمدعلی عرب، عزت‌الله سبحانی، منیره گرجی را برای تهران معرفی کردند و در کل ۱۲۳ نفر برای مجلس خبرگان قانون اساسی در تهران کاندیدا شدند (کردی، ۱۳۸۶: ۱۳۰).

سرانجام اولین انتخابات مجلس خبرگان قانون اساسی در روز جمعه ۱۲ مرداد سال ۱۳۵۸ برگزار شد و پس از اعلام نتایج انتخابات که دو روز بعد اتفاق افتاد از تهران همان نامزدهای جامعه روحانیت مبارز و نیروهای اسلامی انتخاب شدند؛ یعنی منیره گرجی، عزت‌الله سبحانی، علی محمد عرب، ابوالحسن بنی‌صدر، گلزاده، عباس شیبانی، محمد بهشتی، حسینعلی منتظری و موسوی اردبیلی (ملکی، ۱۳۸۷: ۵۲). مجلس خبرگان قانون اساسی با پیام امام که توسط هاشمی رفسنجانی خوانده شد در تاریخ یکشنبه ۲۸ مرداد سال ۱۳۵۸ کار خود را شروع کرد. پس از خوانده شدن پیام امام نخست‌وزیر و وزیر وقت کشور یعنی بازرگان و صباغیان نیز سخنرانی کردند.

در اولین جلسه مجلس خبرگان مسئولیت ریاست جلسه به سیدحسین خادمی واگذار شد و پس از مراسم تحلیل مجلس کار خود را با ۷۳ نماینده شروع کرد. هیئت‌رئیس مجلس خبرگان توسط خود نمایندگان انتخاب شدند و حسینعلی منتظری با چهل رأی رئیس مجلس و محمد بهشتی نیز با چهل رأی به‌عنوان نایب‌رئیس مجلس انتخاب شدند و در همان روز آیت‌الله منتظری ریاست مجلس را به آیت‌الله بهشتی سپرد (ملکی، ۱۳۸۷: ۵۷) و در انتخاباتی که برای هیئت‌رئیس صورت گرفت حسن آیت به‌عنوان دبیر مجلس و محمود روحانی و حسن عضدی به‌عنوان منشیان این مجموعه انتخاب شدند (اطلاعات ۸۰ سال، ۱۳۵۸/۵/۲۹: ۲۴۷).

آیت‌الله حبیب‌الله طاهری گرگانی در مورد اداره و ریاست مجلس خبرگان می‌گوید: «آقای منتظری به شهید بهشتی اعتقاد داشت و شهید بهشتی می‌رفت سر جای او در مجلس خبرگان می‌نشست. وقتی هم آقای منتظری به مجلس می‌آمد سر جای آن شهید می‌نشست، البته این آن موقع برای ابرقدرت‌های دنیا جالب بود چون آنها مجلس خبرگان را زیر ذره‌بین‌های خود داشتند و از سیاستمدارهای باتجربه خود لحظه‌لحظه‌های مجلس را زیر نظر داشتند آنها این را می‌دیدند

که یک کسی به‌عنوان رئیس مجلس انتخاب شده که از نظر مقام علمی بالاتر است، ولی چون احساس می‌کند آقای بهشتی بهتر می‌تواند مجلس را اداره کند مدیریت مجلس را به او واگذار می‌کند و خودش هم می‌آید کنار می‌نشیند» (طاهری گرگانی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). برطبق آیین‌نامه‌ای که نمایندگان مجلس خبرگان برای برقراری نظم داخلی مجلس تنظیم کرده بودند مجلس باید در طی ۳۱ روز و هر روز ۱۰ ساعت به کار بررسی می‌پرداخت (ابراهیم‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۱۰).

در مجلس بررسی نهایی قانون اساسی هفت گروه تشکیل شد و هرکدام از این گروه‌ها مسئول کاری شدند و آیت‌الله بهشتی رئیس گروه اول بود و این گروه ده عضو داشت که علاوه بر بهشتی و نایب‌رئیس آن عبدالرحیم ربانی شیرازی افرادی چون علی‌اکبر مشکینی، عبدالله جوادی آملی، حسن آیت، علی‌اکبر قریشی، عبدالحسین دستغیب، سرگون بیت اوشانا (نماینده اقلیت مسیحی) عضو بودند و همچنین محمود روحانی و جلال‌الدین فارسی منشیان این گروه بودند. مسئولیت این گروه این بود که اصل‌های اول تا دوازده پیش‌نویس و مقدمه قانون اساسی را بررسی کنند (راهنمای استفاده از ...، ۱۳۶۸: ۲۵).

سرانجام پس از سه ماه تلاش نمایندگان مجلس خبرگان کار تدوین قانون اساسی در آبان سال ۱۳۵۸ به پایان رسید و این قانون دارای ۱۲ فصل و ۱۷۵ اصل و یک مقدمه و یک مؤخره بود و در تاریخ ۱۳۵۸/۹/۱۲ به همه‌پرسی گذاشته شد (نقیب‌زاده و امانی زوارم، ۱۳۸۲: ۲۴۹). قانون اساسی ایران نیز مانند دیگر قوانین کشورها ماده‌های عامه‌پسند زیادی داشت از جمله ریشه‌کن کردن فقر، آموزش رایگان شهروندان تا دوره متوسطه، ممنوع بودن تفتیش عقاید، اشتغال دائم، اعطای وام بی‌بهره و جلوگیری از تسلط بیگانگان بر اقتصاد کشور، همچنین خط‌مشی سیاسی خود را در این قانون عدم سازش با قدرت‌های سلطه‌گر اعلام کرد (میلانی، ۱۳۸۱: ۲۸۴).

یکی از حساس‌ترین و جنجالی‌ترین اصل‌های قانون اساسی اصل پنجم بود که مربوط به انتخاب رهبر می‌باشد. بحث رهبری و ولایت‌فقیه این‌طور نبود که پس از تصویب و تأییدش تمام شود بلکه با اتمام کار بررسی نهایی قانون اساسی نیز ادامه داشت (رضوی، ۱۳۷۶: ۲۶۴). و متن اصل پنجم چنین بود: «در زمان غیبت ولی‌عصر عجل الله تعالی فرجه در جمهوری اسلامی ایران ولایت امر و امامت امت بر عهده فقیه عادل و باتقوا، آگاه به زمان، شجاع، مدیر و مدبر است که اکثریت مردم او را به رهبری شناخته و پذیرفته باشند و در صورتی که یک فرد چنین اکثریتی را نداشته باشد شورایی مرکب از فقهای واجد شرایط بالا عهده‌دار آن می‌گردند و طرز تشکیل این

شورا و تعیین افراد آن را قانون معین می‌کند» (اطلاعات ۸۰ سال، ۱۳۵۸/۶/۲۲: ۲۵۲؛ حسینی بهشتی، ۱۳۷۸: ۸۴).

در قبال این اصل در بین نمایندگان مجلس به‌عنوان مخالف مقدم مراغه‌ای صحبت کرد و چنین گفت: «قانون اساسی را باید مبانی اسلام تحکیم کند اسلام با قدرتی که دارد نیازی به قانون اساسی ندارد. اگر اصول دین اسلام را در قانون اساسی بیاوریم خدمتی نکرده‌ایم، چون اصول اسلام پشتوانه‌های مستحکم‌تری از قانون اساسی دارند. اصل سوم پیش‌نویس قانون اساسی می‌گوید آراء عمومی مبنای حکومت است و بر طبق دستور قرآن «و شاورهم فی الامر» و «امرهم شوری بینهم» امور کشور باید از طریق شوراهای منتخب مردم در حدود صلاحیت آنان و به ترتیبی ناشی از آن مشخص می‌شود حل و فصل می‌گردد. اصل سوم قانون پیشنهادی با اصل پنجم معارض هست. تغییر یک‌باره اصل سوم به‌صورت فعلی در مجلس خبرگان در شأن مجلس نیست. نباید اسلام را یک طبقه‌ی خاص در انحصار خود بگیرد، آن‌وقت ممکن است اسلام ابزاری شود در دست قدرت‌طلبان. ما اگر بخواهیم با استفاده از نیروی اسلام حکومت را در اختیار یک طبقه خاص قرار دهیم برای جامعه قابل قبول نخواهد بود، ما قانون برای امروز وضع نمی‌کنیم امام خمینی استثناء است، از کجا می‌توانیم امیدوار باشیم که در آینده نیز رهبری این چنین داشته باشیم؟ اگر ما اصل مبنای حکومت را که آراء عمومی است به حکومت فقیه تبدیل کنیم در سایر اصول اثر می‌گذارد و آن‌وقت باید کلیه اصول تغییر کند که آن‌وقت مجلس خبرگان نخواهد بود بلکه مجلس مؤسسان می‌شود» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ۱۳۶۸: ۳۷۶-۳۷۴؛ روزنامه انقلاب اسلامی، پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۸، ش ۶۹: ۴-۵).

آیت‌الله مرتضی بنی‌فضل در خاطرات خود در خصوص اصل ولایت فقیه و تصویب آن در مجلس خبرگان آورده که مخالفین این اصل آن را دیکتاتوری می‌دانستند و تمام تلاش خود را برای تصویب نکردن آن به کار بردند. شریعتمداری نیز جزء مخالفین این اصل بود و آن را مغایر با حق حاکمیت مردم که در اصل‌های ۶ و ۵۶ آمده می‌دانست و با همدستی مقدم مراغه‌ای در داخل مجلس خبرگان سعی کرد که این بند به تصویب نرسد؛ ولی با مدیریت و استدلال و منطق آیت‌الله بهشتی در خصوص اصل ولایت فقیه و موافقت اکثریت نمایندگان این ماده به تصویب رسید (بنی‌فضل، ۱۳۸۶: ۱۵۵-۱۵۴).



توضیحات آیت‌الله بهشتی در قبال مخالفین اصل ولایت‌فقیه این بود «آیا اصل پنجم می‌خواهد بیاید نقش آراء عمومی را انکار کند؟ آیا اصل پنجم آزادی‌ها را از بین می‌برد؟ آیا اصل پنجم می‌خواهد بیاید حکومت را در اختیار قشر معینی و طبقه معینی قرار بدهد؟ کجای این اصل این معنی را می‌دهد؟ منظور از فقیه یعنی اسلام‌شناس، متخصص، کسی که بتواند احکام و قوانین و تعالیم اسلام را از کتاب و سنت به صورت یک صاحب‌نظر بفهمد. عادل یعنی اعمالش، رفتارش در همه شئون با عدل اسلامی که عبارت از عمل به تمام فرایض و واجبات و دوری از همه محرّمات باشد. باتقوا یعنی همیشه یاد خدا در دلش زنده باشد آگاه به زمان، بفهمد در چه زمانی زندگی می‌کند و بداند نیازهای خودش و جامعه اسلامی‌اش و امت اسلامی‌اش در این زمان چیست، مدیر و اهل اداره کردن باشد مدبر و آینده‌نگری و دورنگری داشته باشد و کسی تحت عنوان این صفات نمی‌تواند خودش را بر مردم تحمیل کند این مردم هستند که باید او را با این صفات بپذیرند و اگر پیشنهاد کردیم که مرکزیت ثقل رهبری و اداره‌ی امور امت باید یک چنین فرد یا گروهی باشد برای این است که می‌خواهیم نظامی اجتماعی اسلامی در آینده داشته باشیم» (صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی، ۱۳۶۸: ۳۷۷-۳۷۸/۱).

سرانجام با تمام جنجال‌ها و حساسیتی که این اصل داشت در ۲۱ شهریور ۱۳۵۸ در جلسه پانزدهم مجلس خبرگان اصل ولایت‌فقیه با رأی‌گیری بین نمایندگان که ۵۳ نفر رأی موافق ۸ نفر رأی مخالف و ۴ نفر رأی ممتنع دادند به تصویب رسید (کردی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). همچنین بنا به گفته محمد مهدی جعفری، آیت‌الله بهشتی با توجه به تجربه‌ای که از اصل شورای سنج برای اداره شهر در ماجرای کردستان داشت خیلی تلاش کرد تا اصل شوراها را در مجلس خبرگان جا بیندازد (جعفری، ۱۳۸۹: ۴۷۲).

آیت‌الله خزعلی در مورد نقش آیت‌الله بهشتی در مجلس خبرگان می‌گوید: «یکی از فصل‌های برجسته و جالب زندگی شهید بهشتی نقش مهم ایشان در خبرگان تدوین قانون اساسی بود گرچه ریاست جلسات خبرگان با فرد دیگری بود؛ اما او اداره‌کننده واقعی آن بود، نجات‌دهنده و شکننده‌ی بن‌بست‌ها در جلسات بهشتی بود. در خبرگان تدوین قانون اساسی مشکلات فراوان بود، چون افراد و گروه‌های وابسته به احزاب معاند در آن فراوان بودند» (خزعلی، ۱۳۸۲: ۱۵۲).

درواقع می‌توان گفت ارزشمندترین خدمت آیت‌الله بهشتی به انقلاب اسلامی تلاش در تدوین قانون اساسی بود.

### اشغال سفارت آمریکا

یکی از وقایع تاریخی مهم در انقلاب اسلامی ایران، اشغال سفارت آمریکا بود که در ۱۳ آبان سال ۱۳۵۸ رخ داد. این واقعه که توسط دانشجویان صورت گرفته بود، انعکاس خیلی وسیعی در سطح بین‌المللی داشت. در حمله به سفارت آمریکا در حدود شصت نفر از دیپلمات‌های آمریکایی و مراجعه‌کنندگان سفارت به گروگان گرفته شدند. دانشجویان که سفارت آمریکا را به تسخیر خود درآورده بودند گروهی را تشکیل داده و خود را دانشجویان پیرو خط امام نامیدند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۹۴).

حادثه اشغال سفارت آمریکا در واقع واکنش شدید ایرانیان نسبت به اقدام آمریکا در خصوص اجازه دادن آنها به شاه بود که در آمریکا اقامت کرده بود، شاه پس از اینکه سفرهایی به مراکش، مصر، پاناما و مکزیک کرده بود و آنها اجازه اقامت به او نداده بودند، به آمریکا پناهنده شده بود. ادعایی که مقامات آمریکایی برای اقامت شاه در آمریکا داشتند این بود که به خاطر رعایت قوانین حقوق بشر این اجازه را به شاه دادند، چون شاه بیمار بود مقامات آمریکایی حتی وقتی نامه‌ای رسمی از سوی ایران در مورد بازگرداندن شاه به ایران دریافت کرده بودند در جواب مقامات ایرانی مبنی بر اینکه دو پزشک ایرانی شاه را معاینه کنند تلفنی به اطلاع آنها رسانده بودند که پزشکان ایرانی تنها می‌توانند پرونده پزشکی شاه را ببینند (صدیقی، ۱۳۷۸: ۱۸۴-۱۸۳).

با بهانه‌تراشی‌های آمریکا در مورد بازگرداندن شاه به ایران، مقامات ایرانی قبلاً به دولت آمریکا هشدار داده بودند که عواقب این کار به نفع آمریکایی‌ها نخواهد بود از جمله زمانی که علی‌اصغر آگاه که کاردار موقت ایران در واشنگتن بود و یا در اجلاس عمومی سازمان ملل در مهر سال ۱۳۵۸ وزیر امور خارجه ایران این هشدارها را به دولت آنها داده بود (صدیقی، ۱۳۷۸: ۱۸۴). امام اقدام دانشجویان را تأیید و از آن به‌عنوان انقلاب دوم یاد کرده بود و شورای انقلاب در مورد این عمل دانشجویان موضع خاصی نداشت (بازرگان، ۱۳۶۳: ۹۴). اشغال سفارت آمریکا اگرچه در ابتدای امر توسط دانشجویان صورت گرفت، اما در ادامه مورد تأیید عموم نیز قرار گرفت.

### دیدگاه آیت‌الله بهشتی در مورد اشغال سفارت آمریکا

درباره عکس‌العمل آیت‌الله بهشتی به اقدام دانشجویان باید گفت او به‌عنوان نایب‌رئیس مجلس خبرگان در جایگاه مجلس این اقدام دانشجویان را تأیید کرد و تنها روزنامه‌ای هم که عمل دانشجویان را مورد تأیید قرار داد روزنامه جمهوری ارگان حزب جمهوری بود (خامنه‌ای، ۱۳۷۸: ۵۱/۲). از جمله مخالفین این اقدام بنی‌صدر، از اعضای شورای انقلاب و بازرگان رئیس دولت موقت بود. آیت‌الله بهشتی گفته بود: «من شخصاً کار دانشجویان پیرو خط امام را در لانه جاسوسی آمریکا ارج می‌نهم از آن نظر که آنها با این اقدام خودشان توانستند اصالت ضد استعماری و استقلال واقعی انقلاب ما را قوت و سرعت بخشند، بنابراین هرگونه کاری در آینده در رابطه با این دانشجویان باید اولاً به‌صورتی باشد که هدف این اقدام آنها و اصالت کار آنها و نقش مؤثر کار آنها محفوظ بماند و ثانیاً باید نقش پرارج این دانشجویان نیز در خدمت به هویت اسلامی انقلاب و جهت ضد استعماری کامل این انقلاب روزافزون باشد» (پاسخ به سؤالات، ۱۳۶۲: ۲۱)

او همچنین می‌گوید: «مسئول وزارت خارجه آمریکا وقتی تلفن کرد در خصوص گروگان‌های آمریکایی گفتیم: ما جلوتر به شما اخطار کرده بودیم و توجه کنید اینجا انقلاب شده، زبان آن صریح است به زبان دیپلماسی صحبت نمی‌کنیم و اعتراض کردم به پذیرش شاه، گفتم باید سعی کنید انقلاب ایران را درک کنید» (رضوی، ۱۳۷۶: ۴۰۴).

دولت آمریکا تصمیم گرفت برای حل ماجرای گروگان‌های خود در ایران اقدامی بکند، به همین منظور با آیت‌الله بهشتی تماس برقرار کرد و اطلاع داد که قصد دارد فرستاده‌ای به ایران برای فیصله‌دادن به ماجرای گروگان‌ها بفرستد. آنها برای این کار رمزی کلارک و ویلیام میلر را انتخاب کردند و این دو در تاریخ ۶ نوامبر ۱۹۷۹ م/ ۱۵ آبان سال ۱۳۵۸ به وزارت امور خارجه آمریکا دعوت شدند و دستورالعمل‌های لازم در اختیارشان قرار داده شد. دولت آمریکا تصور می‌کرد از آنجایی که کلارک و میلر در جریان انقلاب مخالف شاه بودند و به‌عنوان دوستان ایران شناخته شده‌اند، با اعزام آنها به ماجرای گروگان‌ها فیصله داده می‌شود اما در ۱۶ آبان رادیو تهران اعلام کرد که امام طی بیانیه‌ای اعلام کرده که هیچ‌کس حق مذاکره با آمریکا را ندارد (خداوردی، ۱۳۸۸: ۱۷۷-۱۷۵).

به منظور پایان دادن به این ماجرا در سال ۱۹۸۰ دبیرکل وقت سازمان ملل وقت یعنی کورت والدهایم به تهران آمد تا با مقامات ایران مذاکره کند و از جمله افرادی که والدهایم با آنها مذاکره کرد، صادق قطب‌زاده وزیر امور خارجه و آیت‌الله بهشتی بودند (نجاتی، ۱۳۷۱: ۴۴۷). آیت‌الله بهشتی در ملاقاتی که با والدهایم دبیرکل سازمان ملل داشت، گفته بود: «تاکنون سازمان ملل هرگز درباره‌ی رفتار آمریکایی‌ها، چپاول ثروت‌های ایران توسط آمریکایی‌ها، جنایات ساواک و دزدی ثروت ملی ایران توسط شاه، ابراز تأسف نکرده حالا چون چند نفر آمریکایی توقیف شده‌اند، ناگهان افکار عمومی جهان را برشورانده‌اند درحالی‌که، درواقع این سیاست ایالات‌متحده است که باید مورد سؤال قرار بگیرد و این از وظایف کمیسیونی است که باید تشکیل شود» (والدهایم، ۱۳۶۶: ۲۰؛ سیک، ۱۳۸۴: ۳۴۴-۳۳۳).

او همچنین در ادامه اشاره کرد: «حرکت دانشجویان به طرف سفارت، قسمتی از حرکت ملت بود که در جهت منافع دولت یا شورای انقلاب و یا حتی امام صورت نگرفت و چون انقلاب ما، انقلاب مردمی است؛ لذا من معتقدم که نباید با این دانشجویان مخالفت کرد بلکه باید به آنان فرصت داد تا مانند گروه‌های دیگر مردم نظر خود را ابراز دارند» (علی‌بابایی، ۱۳۸۱: ۱۴۰/۱).

آیت‌الله بهشتی همچنین دلیل گروگان‌گیری را این‌گونه شرح می‌دهد: «در انقلاب ما گروگان‌گیری یا اقداماتی نظیر آن پیش‌بینی نشده بود؛ اما ایالات‌متحده آمریکا در قبال احساسات مردم تا بدان حد بی‌اعتنایی کرد که در جوانان ما میل گرفتن انتقام را زنده کرد. به دولت آمریکا از این امر قبلاً اعلام‌خطر شده بود آنانی که به سفارت هجوم برده‌اند، دولت نیستند. ما این عمل آنها را پسندیدیم، زیرا این یک واکنش قابل‌درک علیه ابرقدرت از طرف جامعه‌ای است که مدت‌زمان طولانی زیر فشار بوده است. ما هیچ‌گاه با کشور دیگری چنین برخوردی نداشته‌ایم» (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶: ۳۱۲/۱).

ایشان در ارتباط با اهمیت اشغال لانه جاسوسی در اعتلای انقلاب اسلامی گفت: «اشغال لانه جاسوسی و جلوگیری از خروج مأموران آمریکایی که طبق اسناد موجود از مرز وظایف دیپلماسی خودشان خیلی تجاوز کرده‌اند، نقطه عطفی بود بر انقلاب ما، به این معنی که ضرورت این انقلاب ایجاب می‌کرد ملت به پا خاسته است. ما دشمن اصلی خود را بیش از هر چیزی دیگر هدف و مورد هجوم قرار بدهد... ما در پرتو این اقدام حتی سودهای اقتصادی هم بردیم؛ مقادیر زیادی نفتمان را مفت نفروختیم... مقدار زیادی کالاهای مصرفی بیجا را کمتر به

مملکت‌مان را دادیم. مسئله اشغال لانه جاسوسی از عوامل مؤثر در شتاب دادن به بازگشت به خویش‌نشدن بود» (بهشتی، ۱۳۶۱: ۷۴۲).

آیت‌الله بهشتی همچنین در سخنانش گفت که اقدامات دانشجویان اگر در خارج از کشور محکوم می‌شود در داخل ایران مورد حمایت مردم هستند و آمریکا با رفتارش در قبال ایران از قوانین بین‌المللی تجاوز کرده است (بهشتی، ۱۳۶۱: ۲۱). آیت‌الله بهشتی همچنین در مورد اشغال سفارت آمریکا و پیامدی که کار دانشجویان به دنبال داشت گفته بود: «مسئله اشغال لانه جاسوسی آمریکا برای ملت ما و انقلاب از این نظر اهمیت فوق‌العاده داشت که موضع‌گیری‌های قاطع در جهت قطع وابستگی‌های اقتصادی و سیاسی ایران و آمریکا بتواند با شتاب بیشتری جلو برود. در حقیقت کار این جوانان قهرمان انقلابی این بود که به آمریکا و دنیا نشان دهد که یک ملت انقلابی بی‌اعتنایی به آرمان‌های خودش را از جانب ابرقدرت‌ها تحمل نمی‌کند» (روزنامه انقلاب اسلامی، پنج‌شنبه ۲ بهمن ۱۳۵۹، ش ۴۵۶: ۱۱۲).

دبیرکل سازمان ملل همچنین قصد داشت با امام دیداری داشته باشد، اما امام درخواست او را نپذیرفت. آیت‌الله بهشتی معتقد بود که راه‌حل خاصی برای مسئله گروگان‌ها وجود ندارد و آمریکا مجبور است که تن به خواسته‌های ایران بدهد (ستوده و کاویانی، ۱۳۷۹: ۲۱۴). دانشجویان پیرو خط امام به اسنادی در سفارت آمریکا دست پیدا کرده بودند، آنها در طی برنامه‌های تلویزیونی سعی می‌کردند اسناد را به مردم ارائه بدهند. در میان اسناد افشاگری‌هایی در مورد برخی از شخصیت‌های مهم کشور که اسنادشان در سفارت موجود بود و خبر از ارتباط آنها با دولت آمریکا می‌داد وجود داشت. سفارت آمریکا در مورد بیشتر شخصیت مهم و مطرح ایران اسنادی را جمع‌آوری کرده بود از جمله در مورد آیت‌الله بهشتی، از مطالب اسناد می‌توان به موضع آیت‌الله بهشتی در قبال آمریکا و دشمنان انقلاب دست پیدا کرد.

در یکی از این اسناد آمده است: «یکی رهبر واقعی سازمان سید محمد بهشتی یکی از ملاهای قلهک است که جنبش را هدایت می‌کند و رابط اصلی با پاریس می‌باشد. آیت‌الله طالقانی، رفسنجانی و منتظری رهبران اصلی افتخاری هستند؛ ولی قطعاً شکی وجود ندارد که بهشتی و گروه او متشکل از ملاهای جوان‌تر و همکاران غیرروحانی من جمله حسن نزیه رئیس کانون و کلا، کار اصلی را انجام می‌دهند. حزب جمهوری اسلامی به وسیله شخص مورد اعتماد خمینی و عضو سرشناس شورای انقلاب دکتر محمد بهشتی اداره می‌شود، در حال حاضر از بیشترین میزان

حمایت مردمی در میان دیگر احزاب سیاسی ایران برخوردار است» (اسناد لانه جاسوسی، کتاب سوم، ۱۳۸۶: ۱۷۶-۱۲۹).

وینو گرادف سفیر روسیه در ایران معتقد است که بهشتی باهوش‌ترین و از نظر سیاسی متخصص‌ترین رهبر مذهبی ایران است» (اسناد لانه جاسوسی، کتاب پنجم، ۱۳۸۶: ۶۸۶). به گفته‌ی تحلیل‌گران حزب جمهوری بهشتی بنابر گزارش‌ها، حمایت خمینی و قدرتی را که او نماینده آن است، پشت سر خود دارد (اسناد لانه جاسوسی، کتاب ششم، ۱۳۸۶: ۲۸۲).

پس از اینکه سفارت آمریکا به اشغال دانشجویان در آمد بازرگان رئیس دولت موقت که با این عمل دانشجویان مخالف بود استعفای خود را اعلام کرد و امام نیز با استعفای او موافقت نمود و با این استعفا تا تشکیل کابینه دولت تصمیم گرفته شد که هر یک از اعضای شورای انقلاب مسئولیت یک یا چند وزارتخانه را به عهده بگیرند، آقایان هاشمی رفسنجانی، خامنه‌ای و باهنر به ترتیب مسئولیت وزارت کشور، وزارت دفاع، و آموزش و پرورش را به عهده گرفتند. همچنین مسئولیت کمیته‌ی انقلاب اسلامی را مهدوی کنی برعهده گرفت و بهشتی که آن موقع رئیس شورای عالی قضایی بود سرپرست جهاد سازندگی شد. البته این آقایان ابتدا سرپرست این وزارتخانه‌ها بودند سپس معاونت آن را برعهده گرفتند (دارابی، ۱۳۷۹: ۱۵۱).

گروگان‌گیری آمریکایی‌ها باعث شده بود اختلاف نظر بین دولت و نهادهای انقلابی و روحانیون پدیدار شود. دولتی‌ها با در نظر گرفتن عواقب کار خواهان حل مسالمت‌آمیز مسئله بودند، درحالی که امام و کسانی که خود را پیرو خط او می‌دانستند اصرار داشتند که از این ماجرا نهایت استفاده را ببرند. از جمله خواسته‌هایی که ایرانیان مطرح کرده بودند این بود که آمریکا شاه را به همراه اموالی که از کشور خارج کرده بود به ایران تحویل بدهد تا در ایران محاکمه شود، آمریکا از اقدامات گذشته خود پوزش بخواهد و ... همه‌ی این خواسته‌ها خوار و خفیف کردن آمریکا را به همراه داشت. از طرفی فضای بین‌المللی خواستار این بود که هر چه زودتر این دو کشور به ماجرا خاتمه بدهند، مردم آمریکا با فشار آوردن به دولت خود خواهان آزادی گروگان‌ها بودند. مقامات ایرانی از آنجایی که تداوم مسئله گروگان‌ها عکس‌العمل‌های سیاسی، نظامی، اقتصادی نامناسبی را به دنبال داشت، تصمیم به توافق با آمریکا را گرفتند. سرانجام با وساطت کشور الجزایر، آمریکا تعهد کرد که حساب‌های بانکی ایران را که در حدود یازده میلیارد بود و مسدود کرده بود آزاد کند و شکایتی بابت گروگان گرفتن علیه ایران نداشته

باشند. ایران هم تعهد کرد که در قبال مسدود کردن حساب خود از آمریکا شکایت نکند (بازرگان، ۱۳۶۳: ۹۹-۹۶).

### نتیجه‌گیری

آیت‌الله سید محمد حسینی بهشتی از روحانیون برجسته و صاحب اندیشه در میان شخصیت‌های تأثیرگذار تاریخ انقلاب اسلامی به شمار می‌رود. وی در صحنه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی، دینی و تبلیغاتی در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب اسلامی حضور فعال و چشمگیر داشت. زندگی آیت‌الله بهشتی در دو مرحله قابل بررسی است، مرحله قبل از انقلاب و پس از انقلاب. وی در هر دو مرحله فعالیت و اقدامات مؤثری در خدمت به نهضت امام خمینی انجام داد. او ضمن حضور فعال در عرصه‌های آموزشی و ایجاد مدرسه دین و دانش، توانست در سخنرانی‌های مؤثر خود مواضع امام خمینی را برای آحاد مردم تشریح نماید. همچنین با اعزام به مرکز اسلامی هامبورگ آلمان نیز شارح بسیاری از آراء و نظرات درباره‌ی انقلاب اسلامی ایران شد. وی با حضور در فرانسه در حلقه‌ی یاران نزدیک امام نیز قرار داشت. او پس از وقوع انقلاب نیز در مسئولیت‌های خطیر آن دوران نیز همچون شورای انقلاب حضور داشت و در مجلس خبرگان قانون اساسی نیز با درایت و مسئولیت‌پذیری در حمایت و پشتیبانی از اصول و ارزش‌های انقلاب اسلامی ثابت‌قدم بود. او در اصول مهم قانون اساسی همچون «رهبری و ولایت‌فقیه» بر صبغه اسلامی و صلاح جامعه مسلمان در وجود این اصل تأکید فراوان داشت.

آیت‌الله بهشتی در زمان اشغال سفارت آمریکا به‌عنوان نایب‌رئیس مجلس خبرگان اقدام دانشجویان پیرو خط امام را که از نگاه امام خمینی «انقلاب دوم» محسوب شد، تأیید کرد و مواضع خود را در این خصوص به گوش مردم رسانید، به‌طوری‌که حتی با صراحت نظر خود را در دیداری که با والدهایم دبیرکل وقت سازمان ملل متحده داشت عنوان کرد که این سازمان در اعلام مواضع نسبت به کشورهای مختلف تبعیض قائل شده است و نسبت به اقدامات استعماری و دخالت‌جویانه کشور آمریکا بی‌تفاوت بوده است. همچنین اقدام دانشجویان خط امام را بدون دخالت دولت و حاکمیت و در راستای مردمی بودن انقلاب اسلامی تبیین کرد. وی وجود سفارت آمریکا را منشأ ضدیت با منافع جمهوری اسلامی خواند و از تسخیر آن اعلام حمایت کرد. روشنگری‌ها و تأثیرگذاری‌های ارزشمند آیت‌الله بهشتی در اعلام مواضع انقلاب اسلامی در

گذر از مراحل سخت دوران اولیه تشکیل حکومت جمهوری اسلامی ایران، بسیار مؤثر بود و مورد حمایت امام راحل نیز قرار می گرفت. بعدها با بمب گذاری در دفتر نخست وزیر و در پی شهادت آیت الله بهشتی، امام خمینی به دلیل اهمیت و اثر گذاری او را «خار چشم دشمنان اسلام» نامید.

### کتابنامه

#### الف) اسناد

مرکز اسناد انقلاب اسلامی (مراسان): شماره بازیابی ۰۰۴۱۰۰۴۷، ۰۰۴۱۰۰۱۱.

اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴.

اسناد لانه جاسوسی آمریکا، دانشجویان پیرو خط امام، کتاب ۳-۵-۶، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش سیاسی، ۱۳۸۶.

یاران امام به روایت اسناد ساواک، ج ۳ (آیت الله سید محمد حسینی بهشتی) تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۷.

#### ب) کتاب

ابراهیم زاده، حسن، بهشتی در زمین، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۷.

اشرفی، اکبر، مبانی رهبری سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.

بازرگان، مهدی، انقلاب ایران در دو حرکت، تهران: انتشارات مهندس بازرگان، ۱۳۶۳، چ ۵.

بنی فضل، مرتضی، خاطرات آیت الله شیخ مرتضی بنی فضل، تدوین: عبدالرحیم اباذری، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

بهشتی، سید مظلوم امت، دفتر دوم، تهران: واحد فرهنگی بنیاد شهید، ۱۳۶۱.

پاسخ به سؤالات، گفتار شماره ۱۴ حزب جمهوری، تهران: حزب جمهوری، ۱۳۶۲.

ترکچی، فاطمه، شهید حجت الاسلام محمد جواد باهنر به روایت اسناد، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.

توکلی بینا، ابوالفضل، دیدار در نوفل لوشاتو (خاطرات سیاسی - اجتماعی ابوالفضل توکلی بینا)،

تدوین فرامرز شعاع حسینی تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۹.



بررسی مواضع سیاسی آیت‌الله بهشتی در تحولات سال ۱۳۵۸..... ۱۳۹

جعفری، محمدمهدی، همگام با آزادی: خاطرات شفاهی سید محمدمهدی جعفری، ج ۲، تدوین قاسم یاحسینی، قم: صحیفه خرد، ۱۳۸۹.

حسینی بهشتی، محمد، مبانی نظری قانون اساسی، تهیه و تنظیم بنیاد نشر آثار آیت‌الله بهشتی، تهران: بقعه، ۱۳۷۸.

حسینی بهشتی، محمد، سخنرانی و مصاحبه‌های آیت‌الله بهشتی، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

خامنه‌ای، علی، خاطرات و حکایت‌ها ویژه زندگینامه مقام معظم رهبری، ج ۲، گردآوری و تدوین: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، تهران: مؤسسه فرهنگی قدر ولایت، ۱۳۷۸.

خداوردی، حسن، روابط ایران و آمریکا از پیروزی انقلاب تا تسخیر لانه‌ی جاسوسی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۸.

خزعلی، ابوالقاسم، خاطرات آیت‌الله ابوالقاسم خزعلی، تدوین: حمید کرمی‌پور، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

دارابی، علی، سیاستمداران اهل فیضیه، تهران: سیاست، ۱۳۷۹.

راهنمای استفاده از صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، تهیه و تنظیم اداره تبلیغات و انتشارات، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۸.

رضوی، مسعود، هاشمی و انقلاب، تهران: انتشارات همشهری، ۱۳۷۶.

سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴-۱۳۴۴)، به کوشش جمعی از پژوهشگران، ج ۱، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۴-۱۳۸۵.

ستوده، امیررضا، کاویانی، حمید، بحران ۴۴۴ روز، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر، ۱۳۷۹.

سیک، گری، همه چیز فرو می‌ریزد، ترجمه علی بختیارزاده، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

شعبانی، امامعلی، تاریخ شفاهی زندگانی و مبارزات آیت‌الله بهشتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷.

صدیقی، وحیدالزمان، انقلاب اسلامی ایران از نگاه دیگران، ترجمه سید مجید روئین‌تن، تهران: اطلاعات، ۱۳۷۸.

۱۴۰ ..... نشریه علمی تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، سال چهارم، شماره ۸، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی، ج ۱، تهران: تهیه و تنظیم اداره تبلیغات و انتشارات، ۱۳۶۸.

طاهر گرگانی، حبیب‌الله، خاطرات آیت‌الله حبیب‌الله طاهر گرگانی، تدوین: غلامرضا خارکوهی، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۸.

علی بابایی، داود، بیست و پنج سال در ایران چه گذشت، ج ۱، تهران: امید فردا، ۱۳۸۱.  
کردی، علی، جامعه روحانیت مبارز تهران از شکل‌گیری تا انشعاب، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

کردی، علی، زندگی و مبارزات آیت‌الله بهشتی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۵.  
ملکی، هدی، تصویر ماندگار، تهران: پیام آزادی، ۱۳۸۷.

میلانی، محسن، شکل‌گیری انقلاب اسلامی از سلطنت پهلوی تا جمهوری اسلامی، ترجمه مجتبی عطارزاده، تهران: گام نو، ۱۳۸۱.

نجاتی، غلامرضا، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران (از کودتا تا انقلاب) ج ۲، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱.

نقیب‌زاده، احمد، امانی زوارم، وحید، نقش روحانیت شیعه در پیروزی انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

والدهایم، کورت، کاخ شیشه‌ای سیاست، ترجمه عبدالرحمن صدریه، تهران: اطلاعات ۱۳۶۶.

#### ج) روزنامه

روزنامه انقلاب اسلامی، پنج‌شنبه ۲ بهمن ۱۳۵۸، س ۵۹، ش ۴۵۶.

روزنامه انقلاب اسلامی، پنجشنبه ۲۲ شهریور ۱۳۵۸، ش ۶۹.

روزنامه اطلاعات ۸۰ سال، ۵۷/۱۱/۳۰، ۵۷/۱۱/۳۰.